

سناریوهای آینده عملیات طوفان الاقصی

دکتر احمد زارعان



استادیار مرکز مطالعات منطقه ای دانشگاه جامع امام حسین (ع)

عملیات طوفان الاقصی که در ۱۵ مهرماه ۱۴۰۲ (۷ اکتبر ۲۰۲۳) توسط رزمندگان حماس علیه مواضع رژیم صهیونیستی در سرزمین‌های اشغالی انجام شد، به لحاظ ماهیت و شیوه‌های اجرای عملیات، نتایج، دستاوردها و پیامدها، در طول تاریخ مقاومت ضد صهیونیستی مردم فلسطین بی سابقه بوده است. واکنش رژیم صهیونیستی به عملیات طوفان الاقصی نیز در نوع خود بی سابقه بوده است؛ واکنشی که با حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی و انفعال بیشتر دولت‌های عربی و اسلامی همراه بوده است؛ براین اساس می‌توان گفت: تاریخ مقاومت ضد صهیونیستی به دو مقطع قبل و بعد از عملیات طوفان الاقصی تقسیم شده است و فلسطین و منطقه غرب آسیا تحت تأثیر این عملیات، در ماه‌ها و سال‌های پیش رو، آبستن حوادث مهمی خواهد بود.

در سطحی بالاتر، عملیات طوفان الاقصی دال مرکزی گفتمان دولت صهیونیستی را به چالش کشید. صهیونیست‌ها از زمان اولین کنگره صهیونیسم در سال ۱۸۹۷ تاکنون، مفهوم «امنیت» را به عنوان هسته مرکزی گفتمان دولت یهود قرار داده‌اند و با اتکا به همین مفهوم، هدف خود را «ایجاد خانه ملی امن برای یهودیان سراسر جهان» اعلام می‌کردند و یهودی‌ها را برای مهاجرت به فلسطین تشویق و ترغیب می‌کنند.

آنها با تبلیغ شعار «سرزمین بدون ملت برای ملت بدون سرزمین» مدعی بودند که پیش از اشغال فلسطین، هیچ ملت متمدنی در این سرزمین زندگی نمی‌کرده است. عملیات طوفان الاقصی نشان داد سرزمین وعده داده شده به یهودی‌ها، یک سرزمین اشغالی است و صاحبان اصلی آن، از حق خود در مورد مالکیت این سرزمین کوتاه نیامده‌اند و به دنبال بازپس‌گیری سرزمین مادری و آباء و اجدادی خود از غاصبان صهیونیست هستند.

این عملیات، محیط داخلی رژیم صهیونیستی را در ابعاد مختلف ناامن کرد و باعث آواره شدن صدها هزار صهیونیست ساکن در شمال فلسطین اشغالی و غلاف غزه شد. علاوه بر این، ناامنی روانی شدیدی را در جامعه صهیونیستی ایجاد کرد و ضربه شدیدی را به اقتصاد رژیم صهیونیستی وارد کرد. عملیات طوفان الاقصی نتایج و دستاوردهای متعدد دیگری نیز داشته است که اشاره به همه آنها در حوصله این نوشتار نمی‌گنجد اما به طور اجمالی باید گفت در این عملیات، رژیم صهیونیستی ضربه بسیار سخت، غیر قابل جبران و ترمیم‌ناپذیری را دریافت کرد.

عملیات طوفان الاقصی، ادراک رژیم صهیونیستی از محیط امنیتی داخلی و پیرامونی‌اش را تغییر داد و

در ساعات ابتدایی روز شنبه ۱۵ مهر ۱۴۰۲، خبرگزاری‌ها از وقوع حادثه مهمی در سرزمین‌های اشغالی خبر دادند؛ رزمندگان جنبش مقاومت اسلامی (حماس)، عملیات نظامی گسترده‌ای را از زمین، هوا و دریا علیه مواضع رژیم صهیونیستی در غلاف غزه آغاز نمودند و طی این عملیات برق آسا و غافلگیرکننده، تلفات و خسارات عمده‌ای را به رژیم صهیونیستی تحمیل کرده‌اند.

این خبر به حدی مهم، شگفت‌انگیز و شوک‌آور بود که به تیتراول همه رسانه‌های مهم بین‌المللی تبدیل شد. تعداد کشته‌شده‌ها و اسرا، حجم خسارات وارد شده به اماکن و پایگاه‌های نظامی صهیونیست‌ها و میزان نفوذ رزمندگان حماس به عمق سرزمین‌های اشغالی، به حدی بود که ناظران مسائل نظامی و امنیتی را در مورد توانایی‌های نظامی حماس متحیر کرد.

اگرچه دستاوردهای نظامی و میدانی این عملیات نشان می‌داد حماس ضربه سختی را به رژیم صهیونیستی وارد کرده است اما رژیم صهیونیستی ضربه اصلی را در حوزه اعتبار نظامی، امنیتی دریافت کرد. عبور رزمندگان حماس از موانع هوشمند که مجهز به انواع دوربین‌ها و حسگرهای پیشرفته هستند و ناتوانی دستگاه‌های اطلاعاتی رژیم صهیونیستی از پیش‌بینی یا کشف این عملیات، هیمنه اطلاعاتی رژیم صهیونیستی را - که مدعی رصد کامل تحولات در محیط امنیتی این رژیم بود - نابود کرد. رزمندگان حماس با رعایت اصول حفاظت از اطلاعات و ارتباطات، نهادهای اطلاعاتی، امنیتی و نظامی رژیم را غافلگیر کردند؛ به نحوی که بخش مهمی از دستاوردهای میدانی عملیات طوفان الاقصی ناشی از همین اصل غافلگیری بود.



و غیره، توان نظامی حماس و سایر گروه‌های مقاومت در غزه را محدود و آنها را مهار کنند.

از سوی دیگر، صهیونیست‌ها با تقویت سامانه‌های پدافندی و ایجاد موانع هوشمند در خطوط تماس با جوامع فلسطینی در غزه، تلاش خود را برای ایجاد بازدارندگی مؤثر متمرکز کرده بودند. براین اساس، صهیونیست‌ها با این ادراک که مقاومت فلسطینی را نمی‌توانند نابود کنند، با در دست گرفتن راهبرد «بازدارندگی و مهار»، به دنبال «هم‌زیستی غیرمسالمت‌آمیز» با گروه‌های مقاومت اسلامی در غزه بودند.

از دیدگاه صهیونیست‌ها، عملیات طوفان الاقصی ثابت کرد که راهبرد «بازدارندگی و مهار» در رویارویی با گروه‌های مقاومت فلسطینی، از کارایی و اثربخشی لازم برخوردار نیست و به همین دلیل، آنها راهبرد

این تغییر ادراک، یکی از پیشران‌ها و شاید مهم‌ترین پیشران شکل‌گیری سناریوهای آینده در فلسطین و منطقه غرب آسیا به شمار می‌رود. صهیونیست‌ها پس از دریافت این ضربه از سوی مقاومت اسلامی در غزه، به این نتیجه رسیدند که راهبرد آنها در قبال گروه‌های مقاومت فلسطینی، یعنی راهبرد «بازدارندگی و مهار»، اثربخشی خود را از دست داده است.

پیش از عملیات طوفان الاقصی، صهیونیست‌ها تلاش می‌کردند از راه ضربه‌های هوشمند به مقاومت مانند ترور رهبران، جمع‌آوری اطلاعات از راه شبکه جاسوسان و همچنین ابزارها و تکنولوژی‌های جاسوسی، حمله به دفاتر، مراکز و اماکن استقرار گروه‌های مقاومت، راه‌اندازی جنگ‌های کوتاه‌مدت علیه مقاومت غزه

جدیدی را در قبال گروه‌های مقاومت فلسطینی در غزه گرفتند؛ راهبرد «نابودی».

راهبرد جدید صهیونیست‌ها که از حمایت قدرت‌های غربی به‌ویژه ایالات متحده آمریکا، انگلیس، فرانسه و آلمان نیز برخوردار است و با همراهی و پشتیبانی آنها همراه شده است، بر یک اصل اساسی، یعنی نابودی و محو گروه‌های مقاومت از غزه متمرکز است؛ از این رو، جنگ اخیر صهیونیست‌ها علیه غزه از الگوی جنگ‌های پیشین این رژیم علیه غزه تبعیت نمی‌کند. صهیونیست‌ها در روزهای آغازین جنگ اعلام کردند که ابتدا آزادی گروگان‌ها در اولویت اول آنها نیست و دوم اینکه خود را برای یک جنگ طولانی آماده کرده‌اند و سوم قصد دارند به اهداف خود، از راه عملیات زمینی دست پیدا کنند. این موارد در جنگ‌های پیشین رژیم صهیونیستی علیه غزه وجود نداشته است.

باتوجه به راهبرد جدید صهیونیست‌ها مبنی بر نابودی مقاومت در غزه، سناریوهای آینده فلسطین و منطقه غرب آسیا، از این راهبرد و همچنین از کنش اضلاع مقاومت در رویارویی با این راهبرد، تأثیر می‌پذیرد. رژیم صهیونیستی در راستای اجرای راهبرد «نابودی» پس از حدود یک ماه، حملات هوایی سنگین و تخریب زیرساخت‌های غزه، عملیات زمینی را با هدف اعلامی آزادی اسرا و با هدف اعمالی نابودی حماس و سایر گروه‌های مقاومت در غزه آغاز کرد.

بمباران سنگین هوایی و عملیات زمینی در حالی صورت گرفت که محور مقاومت، هشدارهایی در این رابطه به رژیم صهیونیست داد و خط‌قرمزهایی تعیین و حتی حزب‌الله جبهه شمالی را فعال کرده بود. بر خلاف این هشدارها و خطوط قرمز تعیین شده و اقدامات مقاومت لبنانی، یمنی و عراقی، صهیونیست‌ها

اقدامات خود را در راستای راهبرد «نابودی»، دنبال و حتی این اقدامات را تشدید کردند؛ اقداماتی که با حمایت ایالات متحده آمریکا و دولت‌های غربی همراه بوده است و حتی حمله به مراکز استقرار نیروهای آمریکایی در عراق و سوریه، به کاهش حمایت آمریکا از تهاجم هوایی و زمینی رژیم صهیونیستی، که باعث کشته و زخمی شدن ده‌ها هزار فلسطینی و تخریب ساختمان‌ها و زیرساخت‌ها شد. منجر نشده است. باتوجه به ماهیت جنگ‌های شهری و ماهیت چریکی حماس و تجربه حماس در این‌گونه جنگ‌ها، به نظر می‌رسد صهیونیست‌ها بر خلاف حمایت همه‌جانبه دولت‌های غربی، توانایی نابودی حماس را ندارند حتی اگر بخش‌هایی از غزه را اشغال کنند؛ از این رو، تلاش خواهند کرد با اعلام پیروزی در جنگ، بر اساس یک دستاورد میدانی صوری (اشغال مناطقی از غزه و انهدام بخشی از تونل‌ها) و تحقق آزادی اسرای صهیونیست به عنوان ما به‌ازای آتش‌بس‌های موقت، اشغال مناطقی از باریکه غزه و اعمال فشار سنگین علیه مردم غزه را به سناریوهای بعدی پیوند بزنند. از آنجا که صهیونیست‌ها نمی‌توانند حماس را نابود کنند، در سناریوی بعد از عملیات زمینی، یکی از شروط آتش‌بس دائم و توقف جنگ را «گرفتن تضمین امنیتی از کشورهای منطقه‌ای و بین‌المللی»، به‌منظور جلوگیری از تکرار حادثه ۷ اکتبر ۲۰۲۳ اعلام خواهند کرد. در این سناریو، رژیم صهیونیستی خواستار ایجاد یک رژیم امنیتی در غزه با مشارکت نهادهای بین‌المللی یا کشورهای عربی (یونینفل عربی) و اداره غزه توسط تشکیلات خودگردان خواهد شد.

صهیونیست‌ها در این سناریو به دنبال تبدیل درگیری فلسطینی-صهیونیستی به درگیری فلسطینی-عربی یا

حفظ حماس و سایر گروه‌های مقاومت در غزه و حفظ توانایی‌های نظامی این گروه‌ها و مقابله مؤثر با ایجاد هرگونه رژیم امنیتی غیربومی و وارداتی در غزه، راهکارهای مؤثری برای جلوگیری از تحقق سناریوهای مطلوب رژیم صهیونیستی هستند.

در پایان، بیان این نکته ضروری است که جنگ غزه نه تنها پویایی‌های آینده فلسطین را تعیین خواهد کرد بلکه پویایی‌های امنیتی منطقه غرب آسیا در آینده، از این جنگ و نتایج آن تأثیر خواهد پذیرفت. براین اساس، بازیگرانی که امروز نقش فعالی در تحولات غزه ایفا نمایند و روندها را به نفع خود مدیریت کنند، در آینده، نقش، نفوذ و تأثیر بیشتری در مناسبات امنیتی منطقه خواهند داشت و ژئوپلیتیک منطقه به نفع آنها شکل خواهد گرفت.

فلسطینی فلسطینی هستند. همچنین، صهیونیست‌ها از بازگشت فلسطینی‌ها به بخش‌هایی از غزه به‌ویژه مناطق شمالی آن جلوگیری خواهند کرد.

تضعیف قدرت حماس در غزه و ایجاد سازوکارهای مؤثر برای کنترل و مهار آن توسط رژیم صهیونیستی و متحدانش، پیامدهای امنیتی گسترده‌ای برای منطقه غرب آسیا خواهد داشت.

در صورتی که صهیونیست‌ها بتوانند سناریوی بالا را اجرایی و عملیاتی کنند و امنیت محیط داخلی خود را در قبال تهدید گروه‌های مقاومت فلسطینی برقرار کنند، آن‌گاه با آسودگی و فراغ‌بال بیشتری به سراغ حل و فصل مسائل محیط امنیتی پیرامونی و انتقام از گروه‌ها و دولت‌هایی که در جریان جنگ غزه، اهدافی را در رژیم صهیونیستی هدف قرار دادند، خواهد رفت.

